نگاه

احمد سینایی: تاریخ‌پژوه

پیامدهای حضور علی‌اکبر داور، در دادگستری و اقتصاد

عدلیه پرونده‌ساز و مالیه تمرکزگرا

عملکرد علی‌اکبر داور، از فعالان نیل رضاخان به سریر سلطنت و کارگزاران شاخص حکومت او، بیشتر از طریق ارزیابی دو سمت شاخص او در وزارتخانه‌های عدلیه و مالیه، قابل ارزیابی است. او در به اصطلاح تاسیس «دادگستری نوین»، به گونه‌ای تام و تمام، جانب تعدیات رضاخان به حقوق اساسی ملت را گرفت و در کنار وی ایستاد. به‌عبارت دیگر او به تمامی مظالم قزاق، صورتی رسمی و قانونی بخشید و حتی در یک مورد هم، او را در جایگاه پاسخگویی قرار نداد. محمدرضا چیت‌سازیان، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، در این‌باره معتقد است: «نظام قضایی در دوران سلطنت رضاشاه همانند سایر وجوه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور، تحت نفوذ و سیطره شخص شاه و نهاد سلطنت قرار داشت و در موارد بسیاری، ابزاری برای از میان به در کردن مخالفان سلطنت پهلوی و شخص رضاشاه بود. بدین صورت که از طریق دستگاه عدلیه، برای افراد مخالف و منتقد نظام، سندسازی و پرونده‌سازی می‌شد و به اتهام‌های مختلف از جمله فساد اقتصادی، مالی و حتی به دلایل سیاسی، آنان را از کار و موقعیت اجتماعی‌شان برکنار می‌کردند و درصورت احساس خطر، به زندان می‌انداختند. این برخوردها تا آنجا پیش می‌رفت که در مواردی که دولت نیاز می‌دید، حتی طرف مقابل را از سر راه برمی‌داشت و آن را نه‌تنها از صحنه سیاسی حذف می‌کرد بلکه جان وی را می‌گرفت و به زندگی‌اش پایان می‌داد! این سرنوشت حتی در مورد بنیانگذار این نظام قضایی، به حقیقت پیوست و دامان شخص علی‌اکبر داور را نیز گرفت. وی که به‌شدت درگیر امور مربوط به اداره کشور بود، با شخص شاه دچار اختلاف نظر شد، مورد غضب وی قرار گرفت و ترجیح داد به جای اینکه دستگاه سلطنت کار وی را تمام کند، خود پیشقدم شود و کار خود را یکسره کند! در نتیجه با تهیه مقداری موادمخدر و ترکیب آن، دست به خودکشی زد و به عمر خود پایان داد...».

علی‌اکبر داور در لباس سلام دربار

علی‌اکبر داور در مقام ریاست عدلیه، آنچنان حفظ منافع رضاخان را در صدر تلاش‌ها و رویه‌سازی‌های خویش قرار داد که قزاق را به صرافت انداخت تا در وزارت مالیه نیز او را به چنین رویه‌ای بگمارد. کارنامه داور در این مسند نیز نشان می‌داد که با دولتی کردن اقتصاد، شیب منافع آن را به سمت رضاخان قرار داده است! شاید بتوان گفت که پایه‌های اقتصاد زیانبار و فاسد دولتی در ایران معاصر، به‌دست وی نهاده شد.

علی اکبر داور در مقام ریاست عدلیه، آنچنان حفظ منافع رضاخان را در صدر تلاش‌ها و رویه‌سازی‌های خویش قرار داد که قزاق را به صرافت انداخت تا در وزارت مالیه نیز او را به چنین رویه‌ای بگمارد. کارنامه داور در این مسند نیز نشان می‌داد که با دولتی کردن اقتصاد، شیب منافع آن را به سمت رضاخان قرار داده است! شاید بتوان گفت که پایه‌های اقتصاد زیانبار و فاسد دولتی در ایران معاصر، به‌دست وی نهاده شد. سیدمرتضی حافظی، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، اینگونه به تحلیل ماوقع پرداخته است: «از آنجا که داور معتقد بود مردم ایران اصلاح‌پذیر نیستند و تنها با شلاق باید آنها را تربیت کرد، در زمینه اقتصاد از انقلاب کارخانه‌ها به‌دست دولت مرکزی دفاع و در نوشته‌های خود، بر آن تأکید می‌کرد. اولویت‌یافتن دولت در اندیشه داور موجب شد تا وی در زمینه اصلاح اقتصادی نیز بر نقش مرکزی دولت تأکید کند و هنگامی که به وزارت مالیه رسید، پایه‌گذار اقتصاد دولتی در ایران شد. داور در مقاله‌ای با عنوان بحران که در سال ۱۳۰۵ در نشریه آینده منتشر شد، این ایده را مطرح کرد که دولت باید پیشتاز فعالیت‌های اقتصادی باشد. از منظر او عامل بحران ایران، اقتصاد است و هر مسئله دیگری از آن تأثیر می‌پذیرد. داور بر پایه این ایده‌ها، از بحران اقتصادی پیش‌رو صحبت به میان می‌آورد. شایان ذکر است که علی‌اکبر داور در سال‌های قبل از عهده‌داری وزارت مالیه، در مقام وزیر عدلیه، بدون توجه به زمینه‌های اجتماعی کشور، به اصلاحات عمیق و گسترده‌ای در مجموعه قوانین و دستگاه عدلیه (قضایی) دست زد که در حوزه اقتصادی نیز اهمیت داشت. مجموعه قوانینی که در دوره تصدی او بر وزارت عدلیه تدوین شد، از جمله قانون مدنی و قانون تجارت، رضاشاه را وسوسه کرد تا برای تحقق بخشیدن به اهداف اقتصادی‌اش، به او متوسل شود. داور، زمانی که بر مسند وزارت مالیه نشست، براساس اندیشه‌های اقتصادی خود، شرکت‌های دولتی بسیاری را به‌صورت شرکت سهامی، در حوزه‌های مختلف تأسیس کرد. در پی اصلاحات انجام‌شده، از آغاز دهه ۱۳۱۰، مداخله دولت در تجارت خارجی بیشتر از عرصه‌های دیگر افزایش یافت و با تصویب قانون انحصار تجارت خارجی، کل تجارت خارجی ایران به کنترل دولت درآمد. تصور عمومی رایج در آن زمان این بود که قدرت اقتصادی کشورهایی مانند آلمان، ایتالیا و به‌ویژه روسیه از نقش پررنگ دولت در اداره امور اقتصادی ناشی شده است، از این‌رو و به اشتباه، استفاده از چنین الگویی برای ایران، طرفداران بسیاری پیدا کرده بود. در پی این اشتباه، رضاشاه توانست در نیمه‌دوم سلطنت خود، زمانی که خیالش از بابت امنیت داخلی و ثبات سیاسی حکومت تا حدود زیادی آسوده شده بود، جاه‌طلبی‌هایش را به حوزه اقتصادی نیز بگستراند. در این دوره بود که دیگر مرد آزادی که داور در سال‌های ابتدایی دهه ۱۳۰۰ از آن سخن می‌گفت، به‌طور کامل در اسارت استبداد قرار گرفته بود...».

• مستندات این یادداشت از تارنمای پژوهشکده تاریخ معاصر ایران اخذ شده است.

علی‌اکبر داور در دیدار با المار شاخت، رئیس بانک رایش، در دوران تصدی وزارت مالیه

عدلیه رضاخانی و غصب بی‌حدوحصر املاک مردم

«داور»، بسترساز صعود قزاق به قله جباریت

گزارش

جواد عربانی
تاریخ‌پژوه

اگر ماموریت اصلی دستگاه قضایی، ستاندن حقوق فرودستان از فرادستان باشد، بی‌تردید باید عملکرد علی‌اکبر داور در دوره تصدی ریاست عدلیه را در مواجهه با دست‌اندازی‌های متنوع و همه‌جانبه رضاخان، به حقوق اساسی مردم ارزیابی کرد. مقال پی‌آمده درصدد بوده است که بی‌توجه به تحسین‌های کلیشه‌ای نویسندگان پهلوی‌است و اقمار آنان، به ارزیابی کارنامه داور از این جنبه بپردازد. امید آنکه مفید افتد.

داعیه تحول نظام قضایی، در دوران حاکمیت رضاخان

تحول نظام قضایی ایران در دوره پهلوی اول، یکی از موضوعات مهم و تأثیرگذار در تاریخ معاصر ایران به شمار می‌رود. این تحول که به اذعان علی‌اکبر داور، وزیر وقت عدلیه، برای رسیدن به «محکمه دنیاپسند» در خلال سال‌های ۱۳۰۶-۱۳۰۵ش در سیستم قضایی کشور پدید آمد، در ابتدا با شعار برقراری عدالت و رفع ظلم و تبعیض، حرکت خود را آغاز کرد و با روندی پرشتاب، با تدوین قوانین جدید و با تضعیف نقش محاکم شرع، به‌سوی نظام تازه و منطبق با قوانین عرف به پیش رفت. برخی از پژوهشگران تاریخ معاصر، فعالیت‌ها و اقدامات صورت‌گرفته در زمینه تحول در نظام حقوقی و دادرسی در این دوره را سنگ بنای دادگستری نوین در کشور دانسته و آن را دستاوردی بزرگ در جهت تحقق عدالت قلمداد کرده‌اند و برخی دیگر با استناد به انفعال دستگاه قضا در این دوره در مقابل مطلق‌العنانی رضاشاه، کارنامه عدلیه را با توجه به تغییرات بنیادین، بسیار ضعیف ارزیابی می‌کنند. در واقع می‌توان گفت با وجود اینکه حکومت مطلقه رضاشاه در پرتو شکل‌گیری و بسط نهادهایی چون دربار، بوروکراسی اداری و ارتش مدرن نضج یافت اما یکی از وسایل بسیار مهم در اقتدار رضاشاهی، با برقراری قوانین و مقررات جدید که حاصل جد و جهد شخصیت‌هایی چون داور و... در دادگستری نوین بود، شکل گرفت؛ قوانینی که تنها برای مردم ایران وضع شده بود و شخص شاه، هیچ‌گاه خود را در برابر آن پاسخگو نمی‌دید. فعالیت‌ها و اقدامات صورت گرفته در عدلیه نوین، از جمله خلع روحانیون از محاکم قضایی و تحدید قوانین شرعی، بیشتر در جهت کاستن از قدرت رقبای سنتی رضاشاه (روحانیون و علما) تدارک یافت و پس از کاستن از قدرت آنها، به‌تدریج زمینه‌های تحکیم قدرت مطلقه رضاشاه در کشور ایجاد شد.

ثبت اسناد برای رضاخان؛ از دستاوردهای عدلیه نوین

رضاشاه همچنین در این دوره کوشید با وضع قوانین ثبت اسناد -که آن هم یکی از دستاوردهای عدلیه نوین در دوره داور به‌حساب می‌آمد- به تهیه اسناد برای املاک ضبط شده خود همت گمارد و بدین‌سان، نوعی پوشش قانونی برای ادعای مالکیت اموال پدید آورد. باید توجه داشت که گستره املاکی که رضاشاه مالکیت ظاهری آن را به‌دست آورده بود، از نظر وسعت، تفاوت‌هایی با یکدیگر داشتند، به‌گونه‌ای که گاهی یک قریه و روستا به‌طور کامل در تملک شخص رضاشاه قرار می‌گرفت! به‌عنوان مثال در کلارستاق، ۱۳۴ پارچه دهات و منطقه سیاه‌دهن در ۳۴ کیلومتری شهر قزوین، به‌طور کامل در تملک رضاشاه قرار داشت. همچنین تعداد املاک رضاشاه در مازندران، به ۴۹۹ و تعداد مراتع به ۱۱۳۲، املاک و مراتع کجور به ۶۷۸، املاک و مراتع تنکابن به ۱۵۶۰، املاک و مراتع آمل به ۴۳۸، املاک و مراتع نور به ۱۷۷، املاک و مراتع اشرف به ۲۶۰، املاک و مراتع غرب به ۵۳۳، املاک و مراتع گرگان به ۵۴۸، املاک و مراتع خراسان به ۳۸، املاک و مراتع فرح‌آباد به یک، املاک و مراتع ورامین به ۳۰، املاک و مراتع زنجان به ۵، املاک و مراتع دماوند به ۱۴، املاک و مراتع قزوین به ۱۹، املاک و مراتع ساوجبلاغ به ۹ و تعداد املاک و مراتع بجنورد به ۱۸۵ مورد می‌رسید. علاوه بر این فهرست، رضاشاه در آذربایجان غربی ۳۵۵ پارچه، در تهران ۴۲۸ پارچه، در فارس ۱۹ پارچه و در کرمان ۱۹۱ پارچه روستا را به تملک خویش درآورده بود. این وسعت از املاک و اراضی مرتبط با رضاشاه، تا بدانجا بود که برای اداره آنها، اداره املاک سلطنتی تأسیس شد! مؤید احمدی که در طول دوره حکومت رضاشاه عضو فعال کمیسیون دادگستری بود، بعد از سقوط رضاخان، در ۱۲ بهمن ۱۳۲۰، درباره غصب اموال مردم توسط رضاشاه گفته بود: «شاه سابق ۱۷ سال در این مملکت حکومت کرد و این را تقسیم به روز که بکنیم، تقریباً می‌شود ۶ هزار روز و ایشان ۴۴ هزار سند مالکیت صادر کرده‌اند، تقسیم به روز بکنیم، روزی ۷ سند مالکیت را ایشان گرفته‌اند...».

کارپردازان رسمی قزاق، برای غصب املاک مردم

رضاشاه کار غصب اموال و املاک را از طریق کارپردازان و مأموران اداره املاک شاهی به پیش می‌برد و این موضوع، تنها شامل حال متمولین، ملاکین، رؤسای عشایر و ایلات نبود بلکه حتی افراد معمولی که فقط قطعه کوچکی زمین خرم و سرسبز داشتند، طمع مامورین و کارپردازان اداره املاک شاهی را برمی‌انگیختند و از دست آنها خارج می‌شد! در این موارد، سلب مالکیت با حوادث رقت‌باری از قبیل آزار و شکنجه، قتل و آوارگی زنان و کودکان توأم بود. علاوه بر رؤسای ادارات املاک خالصه، شهربانی و پلیس نیز از دوران ریاست درگاهی تا واپسین ماه‌های سقوط رضاشاه -که مختاری بر شهربانی حکومت می‌کرد- در راه غصب املاک و زمین‌ها برای رضاشاه، از هیچ کوششی مضایقه نمی‌کردند! در این میان نقش سرلشکر محمدحسین آیرم، بیش از سایر رؤسای شهربانی بارز بود. وی در زندان قصر قسمتی داشت که اتاق قبالە نامیده می‌شد و هرگاه زمین‌داران یا زندانیانی که مالک املاکی بودند که مورد توجه رضاشاه و کارپردازان اداره املاک اختصاصی قرار می‌گرفت و حاضر به تقدیم آنها به رضاشاه نبودند، در آن بخش محبوس می‌شدند و در نهایت زیر شکنجه‌های مفصلی که از سوی شکنجه‌گران شهربانی از آن به عمل می‌آمد، قبالە از پیش تنظیم شده را با رغبت تمام به نام رضاشاه امضا می‌کردند! علاوه بر آنچه گفته شد، لازم است به عملکرد خدایارخان که در مقام امیرلشکری حکومت رضاشاه و مشاور او در غصب و تصاحب زمین‌ها و املاک مرغوب به وی کمک می‌کرد، اشاره کرد. او می‌کوشید به زمین‌داران و مالکان تلقین کند که برای تقرب به رضاشاه، ملکی را به او پیشکش کنند!

علاوه بر نیروهای شهربانی و کارگزارانی که در اداره املاک شاهی می‌کوشیدند املاک و مستغلات مرغوب نواحی مختلف ایران و خصوصاً مازندران را ضمیمه املاک شاه کنند، داور و وزرای عدلیه بعدی نه‌تنها در جهت جلوگیری از وقوع این اقدامات کاری انجام نمی‌دادند، بلکه شرایط را هم برای تصاحب املاک توسط کارگزاران شاه هموار می‌کردند. عمیدی‌نوری در یادداشت‌های خود، به نمونه‌ای از این اقدامات که در دوران وزارت داور بر عدلیه، خود شاهد آن بوده، اشاره دارد و می‌نویسد در برهه‌ای که وکالت شخصی به نام امیراسعد را بر عهده داشت و تلاش می‌کرد از انتقال ۵۰ رقبه امیراسعد در کجور و تنکابن به املاک رضاشاه جلوگیری کند، داور آن پرونده را به بن‌بست کشاند: «به داور فشار آورده و او هم که دید نمی‌شود این دعوا را در محکمه رد نمود، پرونده را از دسترس دادگاه خارج نموده، نزد خود نگاه داشت و من برای علاج کار ناچار به ملاقات داور شدم، ولی او مدتی از پذیرفتن من خودداری نمود. عاقبت در نتیجه فشار من، چند دقیقه‌ای مرا پذیرفت، ولی مثل آدم‌های شرمنده سرش را پایین انداخته. بدون اینکه چشمش به چشم من بخورد گفت: می‌دانم برای چه اصرار داری ملاقاتم کنی، این است پرونده‌ای که دنبال آن هستی، ولی من از شما خواهش می‌کنم از این وکالت صرف‌نظر نموده، این محاکمه را تعقیب نکنی، که هم برای من و هم برای خودت اسباب زحمت می‌شود. [بدین ترتیب] بصیرالدوله هروی نیز به امر مشارالملک، مقدمات انتقال پنجاه پارچه املاک امیراسعد را به رضاشاه فراهم ساخت و در مدت کوتاهی سند آن تنظیم گردید...».

علی‌اکبر داور در دوره تصدی وزارت عدلیه

یکی از وسایل بسیار مهم در اقتدار رضاشاهی، با برقراری قوانین و مقررات جدید که حاصل جد و جهد شخصیت‌هایی چون داور و... در دادگستری نوین بود، شکل گرفت؛ قوانینی که تنها برای مردم ایران وضع شده بود و شخص شاه، هیچ‌گاه خود را در برابر آن پاسخگو نمی‌دید. فعالیت‌ها و اقدامات صورت گرفته در عدلیه نوین، ازجمله خلع روحانیون از محاکم قضایی و تحدید قوانین شرعی، بیشتر در جهت کاستن از قدرت رقبای سنتی رضاشاه(روحانیان و علما) تدارک یافت و پس از کاستن از قدرت آنها، به‌تدریج زمینه‌های تحکیم قدرت مطلقه رضاشاه در کشور ایجاد شد.

کلام آخر

در واقع براساس آنچه در بالا بدان اشاره شد، می‌توان نتیجه گرفت که سلب ابتدایی‌ترین و حیاتی‌ترین حقوق و آزادی‌های مردم ایران در این دوره توسط رضاشاه و سکوت عدلیه در مقابل اعمالی چون بازداشت و حبس غیرقانونی، شکنجه و آزار و اذیت افراد، سلب مالکیت و غصب املاک مردم و از بین‌بردن مخالفین با شیوه‌های ناجوانمردانه، همگی نشانگر ضعف عملکرد و انحطاط دستگاه قضایی دوره رضاشاه بود که حاصل آن مفقود شدن حدود ۲۴ هزار نفر و غصب میلیون‌ها تومان دارایی مردم ایران در این دوره بوده است. در دوره ۲۰ ساله حکومت رضاشاه، عدلیه ضابط شهربانی بود و دادگستری برای تأمین قدرت و نفوذ شهربانی فعالیت می‌کرد و نظمیه ایران هم شخص رضاشاه بود. هنگامی که وزیر دادگستری جرأت می‌کرد جعلی بودن پرونده‌ای را که به‌دست شهربانی ساخته شده بود و یا بی‌گناهی متهمی را به عرض برساند و یا از قانون سخنی به میان آورد، رضاشاه با تغیر می‌گفت: «قانون را به رخ من می‌کشی؟ نظمیه یعنی من و من یعنی نظمیه».

البته مشهور است که بعدها داور هم از عدلیه‌ای که بنا نهاده بود خشنود نبود. ابراهیم خواجه‌نوری در این‌باره از زبان داور می‌نویسد: «من یک عمارت کهنه کثیف بی‌سروتهی را در عدلیه خراب کردم که روی آن یک بنای سنگی محکم عدل و داد بسازم، ولی در موقع ساختن عده‌ای از اشخاص بانفوذ سر رسیدند و هر یک به اصرار خشت یا آجری بدون تناسب در وسط ساختمان گذاشتند. حالا که تمام شده، خودم می‌بینم در میان نمای سنگی عمارت چند آجر و چند خشت سست و زشت گذاشته شده و بنای محکم را هم از ترکیب انداخته، هم از استحکام...». این سخن اگر از زبان داور نقل شده باشد، در واقع اعتراف و اذعان صریح او بر ناکارآمدی و ضعف عدلیه‌ای است که خود ساخته بود، اما از آنجا که در مورد اندیشه‌ها و منظومه فکری داور، نکاتی صریح در تاریخ نقل شده که داور هر چه می‌کرده، براساس دیدگاه‌های خود در تقویت راس هرم قدرت بوده و به زعم خود برای پیشبرد تجدد در ایران این اقدامات را صورت می‌داده است، دیگر چنین سخنی از او پذیرفته نیست؛ چرا که او عامداً به تحولی در عدلیه دست زده بود تا با خلع قدرت‌های رقیب، زمینه صعود رضاشاه به قله قدرت و جباریت را به منصه‌ظهور برساند. در واقع شاید بتوان گفت با وجود اقدامات صورت گرفته در عدلیه، بیش از آنکه روح عدل و دادگستری از عدلیه نوین استشمام شود، از این نهاد قضایی بوی تقویت دستگاه استبدادی به مشام جامعه می‌رسید.

تاریخ جهان

تام پین

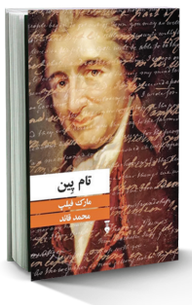

«تام پین» نوشته «مارک فیلیپ» را محمد قائد به فارسی برگردانده و به‌تازگی از سوی نشر نو منتشر شده است. تام پین، نخستین انقلابی بین‌المللی بود. در ربع آخر قرن هجدهم، ابتدا در آمریکا و سرانجام در بریتانیا و فرانسه، به رد حکومت‌های شاهان و اشراف پرداخت و برای جایگزین کردن‌شان با نهادهای دمکراسی نماینده عامه به نبرد برخاست. او که در اصل صنعتگر بود، دمکراتی نمونه به‌شمار می‌آمد، بیزار از شیادی و فساد و نابرابری‌های غیرطبیعی که با نظام امتیازهای موروثی ترویج می‌شد و به سائقه این ایمان قلبی پیش می‌رفت که مردان و زنان معمولی قادرند بر خویشتن به‌گونه‌ای حکومت کنند که حافظ آزادی و امنیت برای همه باشد. در عصری که بازیگران سینما رئیس‌جمهور می‌شوند و بنگاه‌های تبلیغاتی می‌کوشند برای سیاستمداران جایگاهی همانند «ستاره‌ها» فراهم کنند، شاید از قابلیت یک فرد برای ایجاد ارتباط با مخاطبانی انبوه به‌گونه‌ای که روحیه سیاسی آنها را فراچنگ آورد، بدان شکل بدهد و آن را بیان کند کمی دلزده شده باشیم. این بیانگر توانایی‌های پین است که یک‌ونیم قرن پیش از تکامل رسانه‌های گروهی جدید از عهده این کار برآمد. او بر سر اصول و عقایدش هزینه بسیار داد؛ در بریتانیا یاغی‌اش شمردند، در فرانسه بختیار بود که از اعدام گریخت و در بازگشت به آمریکا آتئیست و ژاکوبنش خواندند و بدنامش کردند. نشر نو این اثر ۱۶۸ صفحه‌ای را به بهای ۱۰۰ هزار تومان منتشر کرده است.

تاریخ جهان

جنبش دانشجویی ۱۹۶۰

کتاب «جنبش دانشجویی ۱۹۶۰» نوشته «الکساندر کرودن» که سومین کتاب از مجموعه چشم‌اندازهایی از تاریخ معاصر جهان است، به‌تازگی با ترجمه فاطمه شاداب از سوی انتشارات ققنوس منتشر شد.

در دهه ۱۹۶۰ دانشجویانی در سراسر جهان که از دیدن ریاکاری و بی‌عدالتی در دانشگاه و نیز در بقیه دنیا به تنگ آمده بودند نه‌تنها از جنبش‌های قدرتمندی که نظم جهانی را به چالش می‌کشیدند حمایت کردند بلکه خود رهبری آن را به‌دست گرفتند. در سراسر این دهه دانشجویان برای حمایت از حقوق بشر، صلح، آزادی و اصلاحات آموزشی و همچنین علیه کاستی‌هایی که حاصل اقدامات بزرگ‌ترهایشان بود مبارزه کردند.

کتاب چشم‌اندازهایی از تاریخ معاصر جهان: جنبش دانشجویی دهه ۱۹۶۰، به اعتراضات و تحولاتی که از پی این جنبش شکل گرفت می‌پردازد. این کتاب شرح فردگرایی خارق‌العاده کنشگران جوانی است که خود را به ایجاد نوع جدیدی از آزادی و آزادیخواهی متعهد می‌دانستند. کتاب «جنبش دانشجویی ۱۹۶۰» نوشته «الکساندر کرودن» در ۱۵۲ صفحه با قطع وزیری و به بهای ۶۵ هزار تومان منتشر شده است.

تاریخ ادبیات

ویکنت دو نیم شده

رمان «ویکنت دو نیم شده» نوشته ایتالو کالوینو را غلامرضا امامی به فارسی برگردانده و به‌تازگی از سوی انتشارات هوپا منتشر شده است.

در این رمان خواندنی و البته موجز، در جنگی تاریخی با ترک‌ها، «ویکنت مداردو» از زادگاهش «ترابلا» در مسیر یک توپ قرار می‌گیرد و گلوله توپ به او اصابت می‌کند و ویکنت دو نیم می‌شود. او به انسان تبدیل می‌شود. نیمی خیر و نیمی شر. نیمه شر او پیدا می‌شود و توسط پزشکان درمان می‌شود و با یک چشم و یک سوراخ بینی مجزا به املاک فئودالی خود برمی‌گردد اما این نیمه زندگی شیطانی‌ای را در پیش می‌گیرد و به هر چیز می‌رسد آن را به دو نیم تقسیم می‌کند. در این بین گروهی از راهبان نیمه خیر او را در میان تلی از اجساد پیدا می‌کنند و به‌زودی نیمه دیگر فضیلت‌مند او در «ترابلا» ظاهر می‌شود. حالا دو ویکنت در این شهر وجود دارد. نیمه شر در قصر زندگی می‌کند و نیمه خیر در مزرعه. نیمه شر درد به بار می‌آورد و نیمه خیر نیکی. سپس این دو نیمه برای به‌دست آوردن یک عشق به رقیب یکدیگر تبدیل می‌شوند و...

ایتالو کالوینو، نویسنده نامدار ایتالیایی در این رمان ۱۳۶ صفحه‌ای مخاطب را از نخستین سطرها تا پایان اثر با خود همراه می‌کند. نشر هوپا این کتاب را به بهای ۸۶ هزار تومان منتشر کرده است.